

اشتغال کشاورزی و غیر کشاورزی: چالش‌ها، فرصت‌ها و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی در منطقه تهران و البرز

ناصر شفیعی ثابت^{۱*}

۱- استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۶

تأیید نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

چکیده

شرایط طبیعی و قابلیت‌ها و تنگناهای مراکز روستایی به همراه رویکردهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نظام سیاسی در دهه‌های اخیر، اقتصاد روستایی منطقه تهران و البرز را در قلمرو وسیعی به ویژه در بخش‌های شمالی و جنوبی آن تحت تأثیر قرار داده؛ و باعث ناپایداری توسعه و سکونتگاه‌های روستایی شده است. پیامد این مسأله عدم توسعه فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و غیر کشاورزی و کاهش فرصت‌های شغلی برای جمعیت در حال افزایش روستایی به رغم وجود ظرفیت‌های فراوان طبیعی، اجتماعی - اقتصادی و کالبدی بوده است. از این رو، این تحقیق به منظور تبیین عوامل مؤثر بر اشتغال در زمینه گسترش فرصت‌های شغلی در ۱۴۳ روستای نمونه تصادفی از ۴۸۴ روستای منطقه تهران و البرز به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. نتایج بررسی این پژوهش نشان می‌دهد، فعالیت‌های کشاورزی و دامی باعث گسترش صنایع تبدیلی و کارگاهی در روستاها نشده است. توانمندی محیط روستا و زیربنای آن تأثیر معنی‌داری بر افزایش فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی دارد. همچنین میزان وام توزیع شده تأثیر معنی‌داری بر افزایش فعالیت‌های غیر کشاورزی در نقاط روستایی منطقه دارد. به علاوه، عدم حمایت از بهره‌برداران خرد و دهقانی باعث شده از توانمندی محیط روستا، توانایی و مهارت‌های فعالان و زیر بنای محیط روستا در زمینه کشاورزی و غیر کشاورزی به شکل مطلوب استفاده نشود.

واژه‌های کلیدی: اشتغال کشاورزی و غیر کشاورزی، ناپایداری سکونتگاه‌ها، منطقه تهران و البرز

مقدمه

روستایی درصد کمی اختصاص یافته است (ترک‌نژاد، ۱۳۷۷). از این رو، ایجاد اشتغال در مناطق روستایی بسیار اهمیت دارد. چون تحولات چند دهه اخیر از جهات مختلف بر جامعه روستایی مؤثر بوده، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سرازیر شدن سیل مهاجران روستایی به شهرها به ویژه تهران و کرج و نقاط حاشیه‌ای آن بوده است. بدین ترتیب، افزایش فزاینده جمعیت در نقاط روستایی و فضاهای غیرشهری اطراف این منطقه، روند فزاینده جمعیت جویای کار و بحران بی‌کاری را برای مراکز روستایی آن دوچندان کرده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بررسی نظریه‌های مختلف در زمینه اشتغال و بی‌کاری نقش مؤثری در تبیین نظام اجتماعی - اقتصادی و عوامل مؤثر بر اشتغال روستایی دارد. در متون اقتصادی پدیده بی‌کاری^۲، کم‌کاری (اشتغال ناقص)^۳ و بی‌کاری پنهان^۴، یکی از ویژگی‌های اصلی کشورهای در حال توسعه و پرجمعیت قلمداد شده، که نیروی کار به طور پیوسته به موازات رشد جمعیت در حال افزایش است (مایر، ۱۹۹۴). از این رو، الگوها و نظریه‌های متعددی برای تغییر ساختار اقتصادی این گونه کشورها ارائه شده است که از جمله این گونه نظریه‌های توسعه منطقه‌ای و اقتصادی: نظریه اقتصاد دوگانه^۵، توسعه اگروپلینتن، رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی، رهیافت اعتبار و پس انداز برای توسعه، رهیافت تمرکززدایی، اشتغال غیرکشاورزی، توسعه زیرساخت در روستاها و... است.

اقتصاد کانون‌های روستایی منطقه تهران و البرز، تا حدود زیادی تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی، شرایط طبیعی و توانمندی مراکز روستایی آن می باشد. علاوه بر این، رویکردها و سیاست‌های دولت در این منطقه در دهه‌های اخیر به نحو بارزی، نظام بهره برداری در نقاط روستایی آن را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع، تنگناهای طبیعی به ویژه، در قلمرو شمالی و جنوبی منطقه تهران و البرز، به همراه رویکرد برنامه ریزی و سیاست‌گذاری نظام سیاسی باعث ناپایداری توسعه و سکونتگاه‌های روستایی شده است. تداوم این شرایط و حمایت بیش از پیش از واحدهای بهره‌برداری تجاری و بزرگ (یادداشت ۱) به منظور افزایش تولید، واحدهای بهره‌برداری دهقانی - خرد (یادداشت ۲) را در انزوا قرار داده و موجب شده تا سکونتگاه‌های روستایی مبتنی بر تولید کشاورزی به شدت ناپایدار شوند و به تدریج ظرفیت‌های تولیدی و اقتصادی خود را از دست بدهند. پیامد این مسأله عدم توسعه فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و غیرکشاورزی و کاهش فرصت‌های شغلی برای جمعیت در حال افزایش روستایی بوده است. در این زمینه رشد شدید جمعیت در دو دهه گذشته و نرخ بی‌کاری بالا در سال‌های اخیر و ... موجب شده، ایجاد فرصت‌های شغلی به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. به‌طوری‌که ایجاد شغل برای جمعیت شدیداً روبه افزایش، دشوارترین مسأله‌ای بوده که در دو دهه اخیر برنامه‌ریزان با آن روبرو بوده‌اند. نقطه اوج این مسأله و بحران در مناطق روستایی متمرکز شده است.

در این راستا، از حدود ۳۵۰ هزار فرصت شغلی ایجاد شده در هر سال بیش از ۸۰ درصد مشاغل جدید در نواحی شهری ایجاد شده و به مناطق

2 - Unemployment
3- Underemployment
4-Disguised Unemployment
5- Dual Economy Theory

و کوچک برای حوزه های روستایی تعریف می‌کند از جمله آن‌ها عبارتند از: - مراکز برای خدمات خصوصی و عمومی سطح بالا؛ - مراکز عرضه و حمایت از تولید؛ - مراکز فراوری محصولات کشاورزی؛ - اشتغال غیرکشاورزی برای نیروی کار روستایی است (داگلاس، ۱۹۹۸).

« دو رو » در رهیافت اعتبار و پس‌انداز یکی از مهمترین مؤلفه‌های توسعه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی و گسترش زمینه‌های اشتغال در روستاها، مقوله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌داند. در این دیدگاه، با عنایت به فقر و تهی‌دستی خانوارهای روستایی و ناچیز بودن پس‌انداز، تسهیلات اعتباری دولتی به واحدهای خانواری روستایی، در افزایش فعالیت تولیدی و اشتغال رهگشا خواهد بود (مهندسان مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۱، همچنین، دورو و همکاران، ۱۳۷۲). رهیافت تمرکززدایی از اصول بنیادین کاهش اختلاف منطقه‌ای، تعدیل نابرابری‌های درون شهری و به خصوص کاهش فاصله شهری - روستایی است. در این دیدگاه، تمرکز زدایی صنعتی به مثابه یک رهیافت برای حل بحران بی‌کاری مناطق روستایی مورد توجه قرار گرفته که از طریق بسط هماهنگ فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی (صنایع روستایی و ارایه خدمات زیر بنایی) تحقق می‌یابد (تائوری و سینگ، ۱۹۹۵).

«داگلاس»^{۱۱} در رویکرد پیوند شهری - روستایی^{۱۲} و راهبرد شبکه منطقه‌ای^{۱۳} بیان می‌کند که توسعه باید در هر سطحی در عرصه ملی، منطقه‌ای، محلی دنبال شود. به همین جهت پویایی در هر دو عرصه شهری و روستایی باید وجود داشته باشد. همان‌طوری که فرصت‌های

نظریه اقتصاد دوگانه و «الگوی فی - رانیس»^۶ در مورد اقتصاد دارای مازاد نیروی کار است. که مشخصه اصلی آن همزیستی بخش کشاورزی راکد و نسبتاً حجیم با بخش نسبتاً کوچک ولی رشد یابنده تجاری و صنعتی بوده که سرمایه در آن بسیار نایاب است (مایر، ۱۹۹۴). این الگو، نقش انباشت سرمایه، پس‌انداز، تسهیلات اعتباری، زیر ساخت‌ها و تأسیسات زیربنایی را در فراگرد توسعه، افزایش اشتغال مؤثر دانسته است (مایر، ۱۹۹۴). در رویکرد توسعه اگروپولیتن^۷، سرمایه‌گذاری در روستاها و فراهم آوردن منابع مالی برای توسعه روستاها، از طریق انتقال اعتبارات توسعه و ایجاد پس‌اندازهای محلی در نواحی روستایی در گسترش فرصت‌های شغلی مؤثر است. همچنین، بهبود اشتغال از طریق استفاده فشرده‌تر از منابع طبیعی و افزایش تولید کشاورزی و گسترش تأسیسات عمومی روستایی و از طریق اتصال فعالیت‌های کشاورزی به فعالیت‌های غیر کشاورزی امکان‌پذیر است (فریدمن و داگلاس، ۱۳۶۳). رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی^۸ که از آن به عنوان « رویکرد یکپارچه کارکردی^۹ » و یا «یکپارچگی عملکردی - فضایی^{۱۰}» یاد می‌شود. یکپارچه کردن توسعه روستایی و شهری و توزیع فضایی کارکردهای شهری را مد نظر قرار می‌دهد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰). در این رهیافت، تأمین نیاز نواحی فاقد خدمات، تسهیلات و زیر ساخت‌ها برای توسعه کشاورزی و ایجاد اشتغال در سطح منطقه اهمیت دارد (راندینلی، ۱۹۸۵) راندینلی نقش‌های متفاوتی برای شهرهای متوسط

6- Fei-Ranis Model

7 - Agropolitan Development Approach

8 -The urban Function And Rural Development (UFRD)

9 -The Function Integration Approach

10- Function – Spatial Integration

11- Douglass

12 -Rural – urban Linkage Approach

13- Regional Network strategy

براساس مطالعه «جن جالرن» در شمال تایلند، سرمایه‌گذاری‌های متمرکز اقتصادی در کلان شهر ملی برای اکثریت جمعیت روستایی منافع اساسی و قابل توجهی به همراه نداشته است (جن جالرن، ۱۹۸۹). «شاه‌آقا» در مطالعه‌ای در کشور پاکستان به این نتیجه رسیده، با افزایش جمعیت، بسیاری از افراد به خاطر سطح پایین بهره‌وری، غیراقتصادی بودن مایملک اراضی‌شان و کمبود فرصت‌های کاری در مناطق بومی‌شان ناگزیر به ترک مشاغل سنتی‌شان شدند، که این مسأله منجر به نابود شدن اقتصاد روستایی و مهاجرت روستاییان به شهرها شده، و مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن در قالب بی‌کاری، کم‌کاری، محرومیت و فقر بروز نموده است (شاه‌آقا، ۱۹۹۳). «جنسن» در تحقیقات خود در بنگلادش، یکی از موانع اساسی توسعه بخش غیرکشاورزی روستایی را کمبود سرمایه معرفی می‌کند. در مطالعه‌ای که توسط هاگبلاد،^{۱۴} هازل^{۱۵} و براون^{۱۶} در سال ۱۹۸۷ درخصوص بخش غیرکشاورزی در حاشیه صحرای افریقا انجام گرفته، به سطح خدمات زیربنایی به مثابه یکی از عوامل مؤثر در رشد سرمایه‌گذاری در این بخش اشاره شده است. «چادها» با بررسی جنبه‌های مختلف صنعتی‌شدن روستایی چین، استمرار زمانی توسعه را کلید موفقیت آن دانسته و از جمله به لزوم تقدم توسعه زیربنایی بر برنامه‌های صنعتی‌سازی اشاره می‌کند (سینگ، ۱۹۹۳). «میسرا» و «پاپولا» درهند دسترسی به امکانات ترابری و مراکز شهری را عوامل تعیین‌کننده‌ای در وضعیت صنایع و هنرهای سنتی روستایی می‌دانند (سینگ، ۱۹۹۳). نتایج بررسی «تاکولی» و «لینچ» بیان‌گر آن است که منبع درآمدی برخی خانوارها یا افراد

شغلی، درآمد و پس‌انداز در محیط‌های روستایی افزایش می‌یابند، شهرها هم باید پیوندهایشان را با اقتصاد جهانی افزایش دهند تا به وسیله رشد اقتصادی و رفاه، قابل سکونت‌تر شوند (داگلاس، ۲۰۰۱). در واقع، پیوند شهری - روستایی، اتصال زنجیروار بین بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات است. و در مفهوم وسیع‌تر شامل فعالیت‌های روستایی که در مراکز شهری صورت می‌پذیرند (کشاورزی شهری) و فعالیت‌های که به عنوان فعالیت‌های شهری طبقه بندی شده‌اند (فعالیت‌های صنعتی و خدماتی)، و در اراضی روستایی استقرار یافته‌اند، می‌باشد (تاکولی، ۲۰۰۳). تاکولی بیان می‌دارد: هم‌افزایی بین تولید کشاورزی و سرمایه‌گذاری‌های شهری، اغلب کلیدی برای توسعه اقتصاد محلی پویاتر به منظور رشد اقتصادی منطقه و گسترش اشتغال در راستای کاهش فقر است (تاکولی، ۲۰۱۰).

بر مبنای این الگوها و نظریه‌ها، تحقیقات میدانی متعددی در زمینه اشتغال روستایی به منظور توسعه نواحی و مناطق انجام شده است؛ در این زمینه، یافته‌های مطالعه «غیور» ۱۹۸۹ نشان داد، بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی در مناطق روستایی از زمینه قابل توجهی برای اشتغال‌زایی خصوصاً خوداشتغالی و افزایش درآمد برخوردار است. بخش کشاورزی که به مراتب پایین‌تر از سطح بهینه عمل می‌کند، از امکان توسعه اشتغال برخوردار است. لیکن برای افزایش میزان اشتغال به تعداد زیادی اعتبارات، نظارت و آموزش نیاز است (غیور، ۱۹۸۹). «جین» و «بولمن» در سال ۱۹۹۶ به این نتیجه می‌رسند که ساختار کشاورزی خانوادگی باعث ایجاد تقاضا برای اشتغال غیرکشاورزی برای آن گروه از اعضای خانواده که می‌خواهند از وقت‌شان استفاده مفیدتری ببرند، می‌شود (جین و بولمن، ۱۹۹۶).

14-Haggblade
15 -Hazell
16 -Brown

روستایی تغییر یافته و یا عناصر تازه‌ای در آن‌ها وارد شده است. به سخن دیگر، بسیاری از افراد و خانوارهای روستایی، به ویژه در روستاهای واقع در مجاورت شهرها، دارای منبع معیشتی چندگانه هستند که ممکن است از فعالیت زراعی تا ارایه خدمات و فرآوری و تولید صنعتی را شامل گردد. واقعیت این است که امروزه بسیاری از خانوارهای روستایی درآمد خود را از فعالیت‌های غیرزراعی و باغی کسب می‌کنند. در واقع، بخش کشاورزی موجود در روستا و پیرامون محیط‌های شهری زمینه لازم برای توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی را به وجود می‌آورند (تاکولی، ۲۰۰۴ و لینچ ۲۰۰۵). «بند» و همکاران در مطالعه خود در اسپانیا نابرابری منطقه‌ای را به عنوان یک مشکل اساسی در افزایش نرخ بی‌کاری مؤثر دانسته‌اند. به گونه‌ای که سیاست‌های اشتغال متناسب با ابعاد منطقه‌ای بوده و در نتیجه باعث بروز مشکل بی‌کاری در برخی از حاشیه مناطق و سکونتگاه‌ها شده است (بند و همکاران، ۲۰۰۹). «تیسن» و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش‌شان نتیجه می‌گیرند که پیرشدن نیروی کار کشاورزی در مناطق روستایی کشور چک از سال ۱۳۸۹ به صورت یک مشکل جدی در بازتولید نیروی کار کشاورزی بوده است. به طوری که اثرات منفی در پایداری اجتماعی - اقتصادی بازار کار کشاورزی به ویژه در رابطه با عرضه نیروی کار، تقاضا برای آن، نرخ بی‌کاری و دستمزد داشته است (تیسن و همکاران، ۲۰۱۰). «هوپوس» و «گرین» (۲۰۱۱) در تحقیق خود به بررسی واحدهای کارگاهی در مناطق روستایی پرداخته و نتیجه می‌گیرد که مسایل جذب و نگهداری کارکنان به تنهایی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن زمینه‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی و سیاسی مطالعه شود (هوپوس و گرین ۲۰۱۱). «گریگوریوا» در پژوهش خود در کشور

روسیه و چک به این نتیجه می‌رسد که در نقاط روستایی سهم بخش کشاورزی در توسعه بازار کار از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۱۰ منفی بوده است. به‌گونه‌ای که فارغ التحصیلان دانشگاه‌های کشاورزی عمدتاً در حوزه‌های غیر کشاورزی و در مناطق شهری مشغول به کار شده‌اند. در این زمینه سیاست‌های دولت در روستاها از عوامل مؤثر است. همچنین، جوانان علاقه کمی به کارکردن در زمینه کشاورزی دارند و بخش غیر کشاورزی در افزایش درآمد مؤثر بوده و مکمل بخش کشاورزی می‌باشد. به طوری که جوانان در فعالیت‌های مربوط به تولید کود، تعمیر و نگهداری تجهیزات کشاورزی، حمل و نقل، ساخت و ساز، گردشگری روستایی (با تأسیس انجمن گردشگری روستایی در سال ۲۰۱۰ با حمایت دولت در روسیه و چک)، و بازار رسانی محصولات کشاورزی و تجارت فعال هستند (گریگوریوا، ۲۰۱۲). مطالعات «باربارا هریس»^{۱۷} در هند نشان داد، دسترسی روستاییان به بازار خصوصی پول، بسیار بهتر از منابع رسمی اعتبارات مالی وام‌دهندگان (به سبب موانعی نظیر وثیقه و کاغذبازی)، است (دورو و همکاران، ۱۳۷۲). از این رو، برنامه اعطای وام به افراد فقیر برای ایجاد و توسعه فعالیت‌های تولیدی و تجاری کوچک و تأسیس بانک روستا در اولویت قرار گرفت. بانک گرامین در بنگلادش، به افراد بی‌زمین برای هر نوع فعالیت اقتصادی تولیدی، اعتبارات مالی می‌دهد، و اعطای اعتبار را بر مبنای ضمانت گروهی قرار داده است. چنین روندی منجر به افزایش روز افزون تعداد افراد وام‌گیرنده و شاغل شده است (معظمی، ۱۳۷۷). «شهابی» یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی را وجود بازار برای محصولات و

17 - Barbara Haris, 1981

مصاحبه و تکمیل پرسشنامه‌های هدفمند استفاده شد. جامعه آماری در این بررسی ۴۸۴ روستای قلمرو شمالی و جنوبی منطقه تهران و البرز می‌باشد. که نهادها و سازمان‌های متولی روستایی برای آن‌ها فعالیت عمرانی و اجتماعی - اقتصادی انجام می‌دهند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد. به طوری که با بهره‌گیری از روش کوکران (سرای، ۱۳۷۵) با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت احتمالی مطلوب ۵٪ و پیش برآورد واریانس در روستاهای مورد بررسی (از طریق تکمیل ۳۵ پرسشنامه به صورت تصادفی در روستاهای منطقه در مرحله پیش‌آزمون^{۲۰})، معادل ۰/۲۳ بوده و براین اساس حجم نمونه براساس فرمول کوکران و فرمول تعدیل شده آن ۱۴۳ روستا در سطح منطقه تهران و البرز بوده است. شایان ذکر است که ۱۴۳ روستای نمونه تصادفی، متناسب با تعداد روستاهای ۱۷ شهرستان منطقه تهران و البرز انتخاب شد. براین اساس شهرستان‌های ورامین، شهریار و ساوجبلاغ بیش‌ترین حجم نمونه، و شهرستان‌های فیروزکوه، نظرآباد و شمیرانات کمترین روستاهای نمونه تصادفی را به خود اختصاص دادند. همچنین، برای به‌دست آوردن داده‌ها در مورد ویژگی شاغلان کارگاه‌های صنعتی و واحدهای دامی در ۱۴۳ روستای نمونه، تعداد ۱۵۷۰ صنایع کارگاهی و ۹۶۰ واحد دامی در ۱۴۳ روستای نمونه از طریق سرشماری کل آن‌ها شناسایی شد. سپس از ۱۰ درصد کارگاه‌ها و واحدهای دامی روستایی به نسبت تعداد و پراکندگی آن‌ها در روستاهای نمونه، به صورت تصادفی پرسشگری به عمل آمده است. به این ترتیب، حجم نمونه تصادفی کارگاه‌های صنعتی برابر ۱۵۷ کارگاه و

خدمات تولیدی می‌داند (شهابی، ۱۳۷۹). «فرهودی» در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد، توسعه زیرساخت‌ها و دسترسی به اعتبار، باعث گسترش فعالیت‌های غیر زراعی در نقاط روستایی منطقه کرمانشاه شده است. همچنین، توانمندی محیط روستا و مهارت افراد روستایی در افزایش اشتغال مؤثر بوده است (فرهودی، ۱۳۸۱). باوجود اهمیت مسأله اشتغال در نقاط روستایی، مطالعه، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه در نقاط روستایی منطقه تهران و البرز بسیار محدود است. برای پیش‌گیری از وخامت بیشتر پدیده بی‌کاری در این منطقه، این تحقیق با هدف شناسایی قابلیت‌های بالقوه و بالفعل بخش کشاورزی، اثرات تسهیلات اعتباری، تبیین نقش فعالیت‌های عمرانی و زیرساختی، و شناسایی تأثیر فعالیت‌های غیرکشاورزی در زمینه گسترش فرصت‌های شغلی در نقاط روستایی منطقه تهران و البرز انجام شد.

مواد و روش‌ها

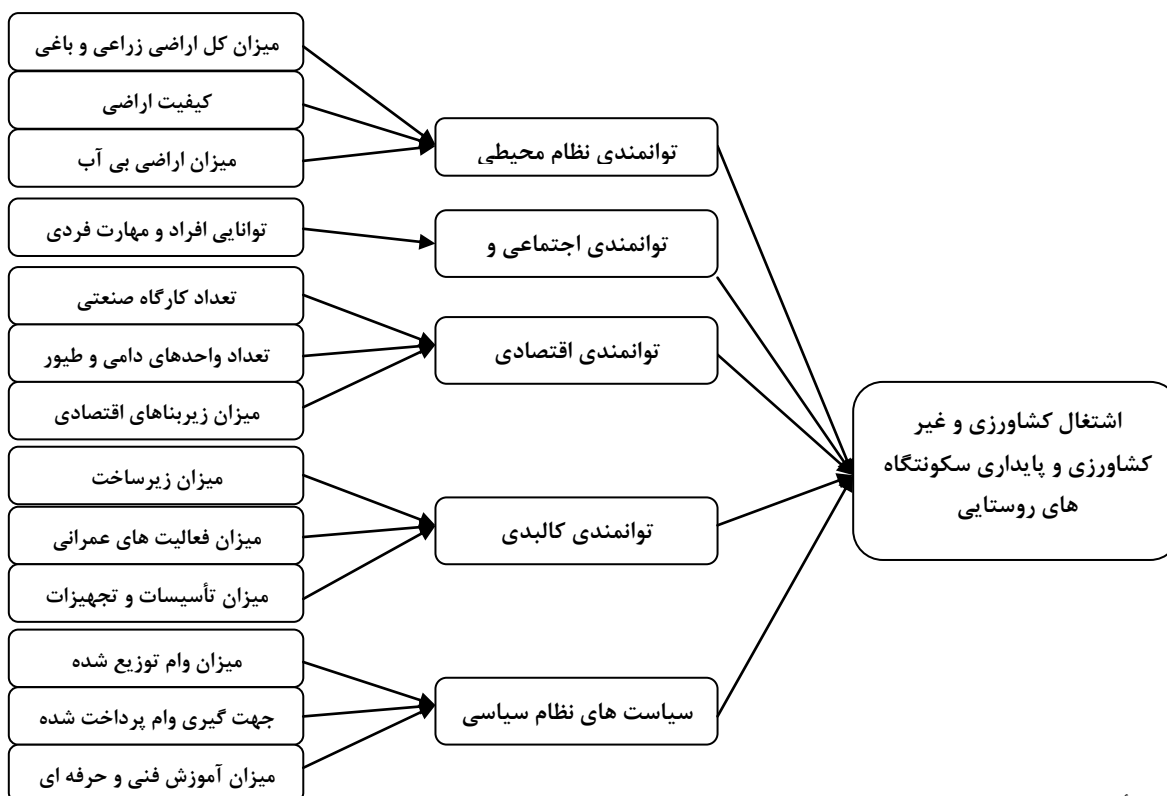
این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی^{۱۸} و به شکل کمی و میدانی^{۱۹} انجام شد. در این روش برای شناخت توانمندی محیط روستا (میزان کل اراضی، کیفیت اراضی، میزان اراضی زراعی و باغی، میزان اراضی بی‌آب، تعداد کارگاه صنعتی، تعداد واحدهای دامی و تعداد مرغداری و طیور)، میزان مهارت و توانایی فعالان روستاها، میزان وام توزیع شده در زمینه کشاورزی و غیرکشاورزی، تعداد واحدهای خدماتی، تأثیر زیرساخت‌ها، شامل امکانات و تأسیسات زیربنایی و اقتصادی، میزان فعالیت‌های عمرانی (شکل ۱)، و تبیین نقش آن‌ها در افزایش اشتغال از تکنیک پیمایشی نظیر:

20- Pre-test

18- Analytical - Descriptive
19- Quantitative field study

روستاها) که مطابق نظر معاونت راهبردی و برنامه‌ریزی سازمان مدیریت استان تهران برنامه‌های توانمند سازی برای ایجاد اشتغال عمدتاً برای این گروه سنی صورت می‌گیرد، از ۵ درصد آن‌ها و در مجموع از ۱۴۳۰ نمونه به صورت تصادفی مصاحبه به عمل آمده است.

حجم نمونه تصادفی واحد دامی معادل ۹۶ واحد می‌باشد. علاوه بر این، با توجه به این که جمعیت فعال روستاهای نمونه براساس داده‌های مرکز آمار ایران مشخص نبود. از این رو، از داده‌های آماری خانه بهداشت و مرکز بهداشت روستاها استفاده شد و به نسبت گروه‌های فعال ۴۰- ۱۸ ساله



مأخذ: یافته های تحقیق، سال ۱۳۹۲

شکل ۱: مؤلفه های مؤثر بر اشتغال کشاورزی و غیر کشاورزی و پایداری سکونتگاه های روستایی

شد. همچنین، برآورد پایایی^{۲۲} پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ صورت گرفت. برای این منظور، تعداد ۳۵ نسخه پرسشنامه در ۱۸ روستای منطقه به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای در نواحی ناهمگن آن تکمیل شد و پس از داده‌پردازی پاسخ پرسشنامه‌های تکمیل شده، ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های کیفی و سؤال‌های تشریحی برابر ۰/۷۶ بوده است. برای

به منظور اطمینان از روایی^{۲۱} صوری و محتوایی پرسشنامه، ۱ نفر دکتری آمار ۵ نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی در خصوص برنامه‌ریزی توسعه روستایی و ۷ نفر از کارشناسان و صاحب‌نظران ستادی و پژوهشگری سازمان جهاد کشاورزی استان تهران با بررسی عمیق پرسش‌ها و گویه‌های پرسشنامه نظرات اصلاحی خود را اعلام کردند. بر این مبنای، اصلاحات ضروری انجام

22- Reliability

21- Validity

شده تا ۸۶/۷ درصد روستاها، آب کشاورزی برای همه فصول سال نداشته باشند. و در حدود ۷۳/۴ درصد روستاها کمبود آب باعث بی‌کاری و اشتغال ناقص شده است. به‌علاوه، در روستاهای منطقه تهران و البرز کمبود سرمایه و عدم وجود اعتبار و تسهیلات بانکی کافی باعث رها شدن عرصه‌های کشاورزی و دامی شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد، کمبود سرمایه و اعتبار موجب رها شدن واحدهای دامی و عدم توسعه بیشتر آن‌ها در ۷۶/۲ درصد روستاهای منطقه شده است. به‌طوری‌که، در ۴۴/۰ درصد روستاها ۱ تا ۳ واحد دامی، حدود ۴۲/۲ درصد ۴ تا ۶ واحد دامی و ۱۳/۸ درصد روستاها ۷ تا ۱۰ واحد دامی رها شده است (شفیعی‌ثابت، ۱۳۹۲). از نظر توانمندی محیط روستا (یادداشت ۳)، میزان ۶۷/۲ درصد در گروه کم و خیلی کم، حدود ۱۶/۱ درصد در گروه متوسط، و میزان ۱۰/۵ درصد در گروه زیاد و برابر ۶/۳ درصد در گروه خیلی زیاد قرار دارند (جدول ۱).

تجزیه و تحلیل از آمارهای توصیفی و همچنین در آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون برای متغیرهای در سطح سنجش فاصله‌ای - نسبی و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، واریانس درون گروه‌ها و برون گروه‌ها و آزمون کای اسکوئر (Chi-Square)، در محیط نرم‌افزاری SPSS استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

براساس یافته‌های تحقیق در ۱۴۳ روستای مورد بررسی در سال ۱۳۹۲، درصد شاغلان در گروه‌های عمده شغلی کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب برابر ۱۰/۸، ۳۶/۳ و ۵۲/۹ درصد بوده است. همچنین، از کل ۱۲۶۲۳۸ هکتار اراضی کشاورزی در روستاهای مورد بررسی، میزان ۳۵۸۲۶ هکتار معادل ۲۸/۴ درصد اراضی بی‌آب یا کم‌آب بوده است. مهار آب رودخانه‌های اصلی منتهی به دشت‌های منطقه تهران و البرز به وسیله سد و استفاده آن برای مصارف شرب و صنعت باعث

جدول ۱: گروه‌بندی روستاهای مورد بررسی برحسب توانمندی محیط روستا

میزان توانمندی	تعداد روستا	درصد
خیلی کم	۳۵	۲۴/۵
کم	۶۱	۴۲/۷
متوسط	۲۳	۱۶/۱
زیاد	۱۵	۱۰/۵
خیلی زیاد	۹	۶/۳
جمع	۱۴۳	۱۰۰/۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، سال ۱۳۹۲

۲). یعنی به‌رغم دارا بودن اکثر امکانات و زیر بناها، هنوز: ۱- برق اکثر روستاها ضعیف است و برق صنعتی و سه فاز به آسانی در اختیار قرار نمی‌گیرد. ۲- دسترسی به شهرها به ویژه در نواحی کوهستانی مشکل است. ۳- تناسب بین زیربناها و فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی وجود ندارد.

همچنین از لحاظ زیرساخت (یادداشت ۴)، میزان ۲۱ درصد روستاها دارای شرایط نامطلوب؛ حدود ۴۰/۶ درصد دارای وضعیت نیمه‌مطلوب و میزان ۳۸/۵ درصد از شرایط مطلوب برخوردار بوده‌اند. در مجموع بیشتر از ۵۰ درصد روستاهای منطقه از نظر زیرساخت وضعیت مطلوبی نداشته‌اند (جدول

جدول ۲: گروه‌بندی روستاهای مورد بررسی برحسب زیر ساخت

زیرساخت	تعداد روستا	درصد
نامطلوب	۳۰	۲۱/۰
نیمه مطلوب	۵۸	۴۰/۶
مطلوب	۵۵	۳۸/۵
جمع	۱۴۳	۱۰۰/۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، سال ۱۳۹۲

میزان اراضی زراعی، باغی، تعداد دام، آبیان و تعداد صنایع تبدیلی، کارگاهی و مراکز خدماتی رابطه معنی داری وجود ندارد ($p > 0/040$). یعنی با توجه به حجم تولیدات کشاورزی، صنایع تبدیلی و خدمات مرتبط با آن شکل نگرفته است. همچنین بین توانمندی محیط روستا و تعداد شاغلان رابطه معنی داری وجود دارد. به طوری که مقدار معنی داری ($F (0/000)$) نشان می‌دهد، هر چه توانمندی‌های محیط روستا بیشتر بوده، تعداد شاغلان نیز به همان نسبت افزایش یافته است (جدول ۳).

باتوجه به این‌که فعالیت‌های کشاورزی در منطقه تهران و البرز فصلی است، فعالیت‌های غیرکشاورزی می‌تواند به عنوان مکمل بخش کشاورزی در بالندگی اقتصاد روستایی مؤثر باشد. تحلیل یافته‌های دومتغیره تحقیق نشان داد، اغلب روستاهای مورد بررسی به دلیل ویژگی طبیعی خاص منطقه، در یک یا چند زمینه کشاورزی یعنی زراعی، باغی، دامی، آبیان و ... دارای قابلیت نسبتاً خوبی هستند، که می‌تواند باعث توسعه مشاغل صنعتی و خدماتی مکمل و مرتبط با بخش کشاورزی شود. اما، در وضع موجود بین

جدول ۳: ارتباط بین توانمندی محیط روستا و تعداد شاغلان در روستاهای مورد بررسی منطقه تهران و البرز

منابع تغییر	مجموع مجذور SS	درجه آزادی df	میانگین مجذورات MS	F	Sig.
بین گروه‌ها	۲۰۲۷۰/۶۶۶	۴	۵۰۶۷۶۶/۴۴	۴۲/۸۲۴	۰/۰۰۰
درون گروه‌ها	۱۶۳۳۰/۶۶۲	۱۳۸	۱۱۸۳۳۸/۱۳۴		
جمع	۳۶۶۰۱/۳۲۸	۱۴۲			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، سال ۱۳۹۲

$F (0/000)$ بیانگر تفاوت معنی داری بین توانایی افراد در سنین کار و تعداد شاغلان روستاها است (جدول ۴).

درارتباط با توانایی افراد و افزایش تعداد شاغلان، بررسی‌ها نشان داده است، بین توانایی و مهارت افراد در سنین کار و تعداد شاغلان روستا رابطه وجود دارد. به طوری که مقدار معنی داری

جدول ۴: ارتباط بین توانایی افراد و تعداد شاغلان در روستاهای مورد بررسی منطقه تهران و البرز

منابع تغییر	مجموع مجذور SS	درجه آزادی df	میانگین مجذورات MS	F	Sig.
بین گروه‌ها	۸۵۰/۶۷۶	۱	۸۵۰/۶۷۶	۶۲۹۱/۲۹۸	۰/۰۰۰
درون گروه‌ها	۱۹۳/۰۸۷۶	۱۴۲۸	۰/۱۳۵		
جمع	۱۰۴۳/۷۶۳	۱۴۲۹			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، سال ۱۳۹۲

هر چه روستا از زیر ساخت مناسب و بیشتری برخوردار بوده، تعداد واحدهای غیر کشاورزی نیز افزایش یافته است (جدول ۵).

همچنین، رابطه معنی داری میان زیرساخت محیط روستا و تعداد واحدهای غیر کشاورزی مشاهده شده است. به طوری که مقدار معنی داری ضریب محاسبه شده ($p=0/000$) نشان می‌دهد،

جدول ۵: ارتباط بین زیرساخت و تعداد واحدهای غیر کشاورزی در روستاهای منطقه تهران و البرز

تعداد واحدهای غیر کشاورزی		
زیرساخت محیط روستا	Spearman	۰/۶۳۸
	Sig.	۰/۰۰۰
	N	۱۴۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق، سال ۱۳۹۲

معنی داری بین میزان وام توزیع شده و تعداد مراکز فعالیت‌های غیر زراعی در روستا وجود دارد (جدول ۶).

در ارتباط با میزان وام توزیع شده و تعداد مراکز فعالیت‌های غیر زراعی، مقدار معنی داری ضریب محاسبه شده ($p=0/000$) نشان می‌دهد، رابطه

جدول ۶: ارتباط بین میزان وام توزیع شده و تعداد مراکز غیر کشاورزی در روستاهای منطقه تهران و البرز

تعداد واحدهای غیر کشاورزی		
میزان وام توزیع شده	Pearson	۰/۶۹۹
	Sig.	۰/۰۰۰
	N	۱۴۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق، سال ۱۳۹۲

بهره‌برداری دهقانی - خرد و واحدهای بهره‌برداری تجاری و بزرگ نشان داد، از کل وام توزیع شده، میزان ۴۰/۶ درصد به واحدهای بهره‌برداری دهقانی - خرد، و حدود ۵۹/۴ درصد به واحدهای بهره‌برداری تجاری و بزرگ اختصاص داشته است. واحدهای بهره‌برداری دهقانی - خرد به دلیل وجود مشکلات فراوان، از جمله بدهی‌های معوق، عموماً وام دریافت نکرده، یا این که تسهیلات اعتباری اعطاشده به آن‌ها بسیار ناچیز بوده است (شفیعی ثابت، ۱۳۹۲). ملاحظات آماری فوق، بیانگر توجه خاص به واحدهای تجاری بزرگ در مقایسه با واحدهای بهره‌برداری دهقانی - خرد بوده که در ناپایداری اشتغال روستایی در قلمرو شمالی و جنوبی منطقه تهران و البرز و در نتیجه ناپایداری اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی آن مؤثر بوده است.

مقدار معنی داری ضریب محاسبه شده، نشان می‌دهد، رابطه معنی داری بین میزان وام کشاورزی و افزایش سطح زیرکشت اراضی زراعی و باغی وجود دارد ($p=0/000$). اما، واحدهای بهره‌برداری سنتی دهقانی به میزان کمتری وام کشاورزی دریافت کرده، و درصد زیادی از وام‌ها را در هر روستا واحدهای بزرگ که عموماً مالکان آن‌ها در روستا زندگی نمی‌کنند، دریافت کرده‌اند. همچنین مقدار معنی داری ضریب محاسبه شده ($p=0/000$)، رابطه معنی داری بین میزان وام و افزایش اشتغال نشان داده است. به این معنی که هر چه میزان تسهیلات اعتباری توزیع شده در روستاها بیشتر بوده، سطح اشتغال نیز افزایش یافته است.

علاوه بر این، مقایسه توزیع وام‌های تولیدی کشاورزی و غیر کشاورزی بین واحدهای

نتیجه‌گیری و بحث

عده‌ای از صاحب‌نظران عقیده دارند: توسعه کشاورزی خانواری و دهقانی باعث ایجاد تقاضا برای اشتغال غیرکشاورزی می‌شود. به طوری که بخش کشاورزی که به مراتب پایین‌تر از سطح بهینه عمل می‌کند، از امکان توسعه اشتغال برخوردار است. به علاوه، فعالیت‌های غیرکشاورزی خاصی در ارتباط با کشاورزی می‌توانند به کار گرفته شوند و امکان توسعه اشتغال و افزایش درآمد را میسر سازند (گیور، ۱۹۸۹ و جین و بولمن ۱۹۹۶).

نتایج این تحقیق نشان داد، اغلب روستاهای منطقه به دلیل ویژگی طبیعی خاص آن، در یک یا چند زمینه کشاورزی یعنی زراعی، باغی، دامی، آبیان و ... دارای قابلیت نسبتاً مطلوب هستند. که می‌تواند باعث توسعه مشاغل صنعتی و خدماتی مکمل و مرتبط با بخش کشاورزی شود. اما در وضع موجود بین میزان اراضی زراعی، باغی و تعداد صنایع تبدیلی، کارگاهی و مراکز خدماتی رابطه معنی داری وجود ندارد ($p=0/640$). یعنی با توجه به حجم تولیدات کشاورزی، صنایع تبدیلی و خدمات مرتبط با آن شکل نگرفته است. همچنین، میان تعداد انواع دام، آبیان و تعداد واحدهای کارگاهی، صنایع تبدیلی و مراکز خدماتی رابطه معنی داری وجود ندارد ($p=0/387$). یعنی به‌رغم وجود ظرفیت‌های مختلف در زمینه دام، طیور و آبیان، صنایع تبدیلی و مراکز خدماتی متناسب با آن‌ها در روستاها توسعه پیدا نکرده است. بنابراین، ظرفیت‌های بالقوه فراوانی در زمینه فعالیت‌های زراعی، باغی، دامی و آبیان وجود دارد که به خاطر کم آبی و کمبود سرمایه و اعتبار رها شده است. اگر از این واحدها هم به نحو مطلوب استفاده شود، علاوه بر گسترش اشتغال در بخش

کشاورزی، زمینه‌های جدید اشتغال در بخش صنایع تبدیلی، کارگاهی و خدماتی فراهم می‌شود. همچنین، ایجاد و گسترش زیربناها و زیرساخت‌ها نیز در گسترش فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی مؤثر است. به طوری که بر مبنای دیدگاه صاحب‌نظران توسعه، گسترش زیربناها و تأسیسات زیربنایی در فراگرد توسعه باعث افزایش توانمندی محیط روستا و در نتیجه افزایش اشتغال و اتصال فعالیت‌های کشاورزی به فعالیت‌های غیرکشاورزی می‌شود (سینگ، ۱۹۹۳، تائوری ۱۹۹۵، داگلاس ۱۹۹۸ و تاکولی ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰). یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، هر چه توانمندی محیط روستا بیشتر بوده، تعداد شاغلان نیز افزایش داشته است. بنابراین، رابطه‌ی معنی داری بین توانمندی محیط روستا و تعداد شاغلان وجود داشته است ($F(0/000)$). همچنین، بین زیربناهای محیط روستا و فعالیت‌های غیر زراعی ارتباط معنی داری وجود داشته و حدود ۷۸/۳ درصد فعالیت‌های غیرکشاورزی در روستاهایی مستقر بودند که از زیر ساخت مطلوب و نیمه مطلوب برخوردار بودند. در واقع، وجود زیرساخت مطلوب، باعث گسترش صنایع کارگاهی و فعالیت‌های خدماتی شده است. در مقابل در روستاهایی که زیرساخت مطلوب نبوده، مشاغل خدماتی و صنایع کارگاهی رونق نداشته است. علاوه بر توسعه زیربناها و زیرساخت روستاها، توانایی و مهارت افراد روستایی در گسترش اشتغال مؤثر است. به طوری که مقایسه دیدگاه صاحب‌نظران توسعه در زمینه نقش عوامل فردی، مهارت و توانایی افراد روستایی در موفقیت پروژه‌های اشتغال‌زا (جین و بولمن، ۱۹۹۶ و گریگوریو ۲۰۱۲)، با یافته‌های تحقیق حاضر مشخص شده است. در نقاط روستایی منطقه تهران و البرز نیز بین توانایی افراد در سنین

فعالیت و تعداد شاغلان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد $F(0/000)$. به طوری که در نقاط روستایی منطقه تهران و البرز، ۱۷/۷ درصد شاغلان دارای مهارت، کارشان متناسب با تجربه و مهارت‌شان بوده، و ۱۳/۰ درصد شاغلان نتوانسته بودند، متناسب با تجربه و مهارتی که کسب کرده بودند، مشغول به کار شوند. همچنین، حدود ۴۲/۰ درصد فعالان به‌رغم داشتن مهارت، بی‌کار بودند و میزان ۲۷/۳ درصد افراد بی‌کار، مهارتی نداشته‌اند. ملاحظات آماری فوق بیانگر دو واقعیت بسیار مهم است. الف- درصد زیادی از افراد ماهر روستاها به‌رغم داشتن مهارت بی‌کار هستند. ب- هنوز درصد زیادی از فعالان روستا در منطقه تهران و البرز را افراد غیرماهر و بی‌تجربه تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین علت بی‌کاری افراد ماهر: ۱- نداشتن مدرک فنی و حرفه‌ای، و در نتیجه نداشتن جواز و از بین رفتن شرایط اخذ وام از بانک بوده است. زیرا اکثر فعالان ماهر، تجربه و مهارت‌شان به طور سنتی و با کار کردن در کارگاه‌های موجود به دست آمده، و بانک‌ها هم به افراد با تجربه ولی فاقد مدرک فنی و جواز، وام پرداخت نمی‌کنند. ۲- نداشتن سرمایه، و امکانات مالی، و عدم وجود زمینه‌های کاری متناسب با مهارت فعالان در روستا است. بنابراین، فراهم شدن امکانات مالی و تأمین سرمایه در کنار توانایی و مهارت فعالان روستایی یکی دیگر از عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی، ایجاد و گسترش زمینه‌های اشتغال است. در این زمینه، عده‌ای از صاحب نظران معتقدند، پایین بودن سطح درآمد روستاییان و هزینه غیر عادی و سنگین نظیر: هزینه تحصیل فرزندان، تهیه بذر، کود، سرمایه گذاری در زمینه منابع تولیدی پر هزینه (انواع ماشین آلات و ...)، یا پیش بینی نشده و غیره، تأمین اعتبار و سرمایه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تشویق برای

افزایش کلی تولید کشاورزی و غیر کشاورزی، فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال و رفاه روستایی است (دورو، ۱۳۷۲ و همچنین مهندسان مشاور DHV از هلند، ۳۶۵). یافته‌های این تحقیق نشان داد، بین میزان وام توزیع شده و تعداد مراکز فعالیت‌های غیرکشاورزی رابطه معنی‌داری وجود دارد $(P= 0/000)$. یعنی هر چه روستاها تسهیلات اعتباری بیشتری دریافت کرده بودند، فعالیت‌های غیر کشاورزی آن‌ها نیز بیشتر توسعه یافته بود. همچنین، بین میزان وام توزیع شده و تعداد شاغلان رابطه معنی‌داری در نقاط روستایی منطقه تهران و البرز مشاهده شد $(P= 0/000)$. علاوه بر این، بین وام کشاورزی و سطح زیرکشت و افزایش میزان اراضی و تولید کشاورزی (زراعی و باغی) رابطه معنی‌داری وجود دارد $(p= 0/003)$. به این ترتیب، با سیاست‌گذاری مناسب و با تأمین سرمایه موردنیاز برای فعالان روستا می‌توان فرصت‌های شغلی بیشتری در مراکز روستایی منطقه به وجود آورد.

شایان ذکر است، در این زمینه سیاست‌های دولت در نقاط روستایی منطقه تهران و البرز، به‌رغم این‌که واحدهای بهره‌بردار دهقانی - خرد (خانواری روستایی) نقش زیادی در تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی دارند، از نظر اعطای تسهیلات اعتباری توجه لازم به آن‌ها صورت نمی‌پذیرد. از این رو اعطای تسهیلات اعتباری و حمایت از آن‌ها علاوه بر احیای مجدد زمینه‌های شغلی از بین رفته در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی، باعث ایجاد و گسترش زمینه‌های اشتغال جدید و پایداری اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی نیز خواهد شد.

پیشنهادها و راه کارها

- خرد (خانواری روستایی). علاوه بر موارد مذکور، تحقق مقوله توسعه اقتصادی کشاورزی و غیر کشاورزی در روستاهای منطقه مورد مطالعه، مستلزم وجود زیربناهای اقتصادی و غیر اقتصادی برای آن است. اکثر روستاهای سطوح میانه و پایین در منطقه تهران و البرز بدنه و توان لازم را در این زمینه دارا نیستند. بنابراین، با گسترش زیربناهای اقتصادی و زیرساختها می توان زمینه های بیشتری برای اشتغال کشاورزی و غیر کشاورزی و پایداری اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه های روستایی در منطقه تهران و البرز فراهم کرد.

یادداشت ها

(۱). واحدهای بهره بردار تجاری، واحدهای بهره برداری بزرگی هستند که عموماً بیشتر از ۳۰ هکتار زمین دارند و صاحبان اصلی آنها در شهر ساکن هستند، و بخش عمده منافع اقتصاد تولیدی آنها به شهرها منتقل می شود.

(۲). واحدهای بهره برداری دهقانی - خرد، واحدهای بهره بردار خانوار روستایی است، که عموماً کوچک و کمتر از ۵ هکتار (بیشتر کمتر از ۱ هکتار و به صورت پراکنده) هستند و به شکل سنتی اداره می شوند و صاحبان آنها عموماً در روستا ساکن هستند.

(۳). میزان توانمندی روستاها از طریق بررسی میزان اراضی زراعی و باغی، میزان اراضی بایر، میزان اراضی بی آب، تعداد کارگاه صنعتی، تعداد واحد دامی و طیور، تعداد مغازه و کارگاه خدماتی، تعداد استخر پرورش ماهی، تعداد ماشین آلات کشاورزی، تعداد انواع وسائط نقلیه و امکانات و تأسیسات زیر بنایی و اقتصادی تعیین شد. سپس هر یک از این متغیرها به نسبت میزان برخورداری هر روستا از آنها، از ۱ تا ۱۰۰ بر اساس اهمیت هر یک از آنها امتیاز بندی شده است. سرانجام نمره کل توانمندی

بر مبنای یافته ها و نتایج تحقیق حاضر برای تحول روستاهای منطقه تهران و البرز و گسترش زمینه های اشتغال در آنها مواردی به شرح زیر پیشنهاد می شود:

۱- تغییر رویکرد در حمایت های دولتی در زمینه اعطای تسهیلات اعتباری؛ افزایش تولید از طریق ارائه تسهیلات اعتباری و بالندگی و تواناسازی واحدهای خانواری روستایی و در نتیجه افزایش اشتغال و ایجاد تعادل و توازن اقتصادی در نظام فضایی منطقه تهران و البرز صورت گیرد. ۲- گسترش امکانات و خدمات زیربنایی، از طریق: - توسعه زیر ساخت های آبیاری، نظیر: حمایت از واحدهای خانواری روستایی، جهت سیمانی کردن جوی ها، نهرها، آبیاری تحت فشار و برق دار کردن چاه های آب کشاورزی؛ - تقویت برق مراکز روستایی منطقه، تسهیل در واگذاری مجوز برق صنعتی (سه فاز) به فعالان روستایی؛ - اصلاح معابر داخل بافت روستاها، اصلاح معابر بین مزارع؛ - توسعه مراکز تلفن روستاها و دفاتر پست؛ - در زمینه نگهداری تولیدات و فرآورده ها: توسعه انبارها و سردخانه های مجهز در کانون های مرکزی روستایی جهت حفظ مطلوب تولیدات زراعی، باغی، دامی، صنایع غذایی و غیره. ۳- سیاست گذاری و حمایت برای تحول نظام بهره برداری دهقانی - خرد؛ ۴- آموزش: توسعه اشتغال مستلزم برنامه های آموزشی مناسب است. در این زمینه آموزش های فنی و حرفه ای، ضروری است. وجود نهادهای آموزشی - ترویجی دولتی و غیردولتی در توسعه اشتغال مؤثر هستند. چون مدارک ارائه شده از طریق مراکز فنی و حرفه ای زمینه مناسبی برای دریافت جواز و دریافت وام از بانک می شود. ۵- تسهیل و تخفیف ویژه در زمینه صدور مجوز برای فعالیتهای دامی، طیور، آبزیان، کارگاه های صنعتی و صنایع تبدیلی برای بهره برداران دهقانی

ایجاد اشتغال در روستاهای منطقه دارند، به آن‌ها امتیازهایی از ۱ تا ۲۰ داده شده است. از جمله زیربنای موردنظر شامل راه آسفالت، برق، تلفن، پست، آب لوله کشی، گاز، مرکز خدمات کشاورزی، مرکز بهداشت، خانه بهداشت، بانک، وضعیت حمل و نقل محصول و کالا، دسترسی روستاها به شهر و مراکز روستایی، تناسب زیر ساخت با فعالیت کشاورزی و غیر کشاورزی و ... بوده، که در پایان یک نمره کل زیر ساخت برای گروه بندی هر یک از روستاها به دست آمد. در این میان حداقل امتیاز ۳۴ و حداکثر ۱۴۹ بوده است. از این‌رو، روستاها به سه گروه نامطلوب (امتیاز بین ۷۰-۳۰)، نیمه مطلوب (بین ۱۱۰-۷۱) و مطلوب (بیشتر از ۱۱۰) دسته بندی شده‌اند.

تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سازمان جهاد کشاورزی منطقه تهران و البرز، ۱۶۳ ص.
 - شهابی، س.، ۱۳۷۹. زمینه یابی ایجاد اشتغال در بخش غیر کشاورزی مناطق روستایی شهرستان شهرضا، استان اصفهان، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد کشاورزی استان اصفهان، ۱۳۵ ص.
 - فرهودی، ع.، ۱۳۸۱. بررسی عوامل تأثیر گذار بر افزایش میزان اشتغال در مناطق روستایی استان کرمانشاه، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، ۱۵۸ ص.
 - فریدمن، ج.، و داگلاس، م.، ۱۳۶۳. توسعه روستا - شهری به سوی راهبرد جدید برنامه‌ریزی منطقه‌ای در آسیا، مترجم: عزیز کیاوند، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکزمدارک اقتصادی اجتماعی، چاپ اول، ۱۰۲ ص.
 - مایر، ج. م.، ۱۹۹۴. مباحث اساسی اقتصاد توسعه (جلد اول)، مترجم غلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸، ۶۴۰ ص.

به روستا محاسبه شده است. گروه بندی بر اساس نمره کل شکل گرفته و به پنج گروه به شرح زیر تقسیم شده است: -گروه خیلی کم، شامل روستاهایی که امتیاز آن‌ها بین ۲۰-۱ بوده است. - گروه کم، امتیاز آن‌ها بین ۴۰-۲۱ می‌باشد. -گروه روستاهای برخوردار از توانمندی متوسط، امتیاز آن‌ها بین ۶۰-۴۱ است. - روستاهای گروه توانمندی زیاد، امتیاز بین ۸۰-۶۱، و گروه روستاهای خیلی توانمند، که امتیاز آن‌ها بین ۱۰۰-۸۱ است.
 (۴). برای شناخت بهتر زیر ساخت روستاها، گزینه‌های مختلفی مورد پرسش و بررسی قرار گرفته و بر حسب اهمیت آن‌ها در گسترش فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی (اشتغال)، به شکل قراردادی و بر اساس میزان تأثیری که در

منابع

- ترک نژاد، الف.، ۱۳۷۷. شناسایی و طبقه بندی مشاغل روستایی و کشاورزی، معاونت آموزش و تحقیقات، وزارت جهاد سازندگی، ۲۱۰ ص.
 - دورو، اس. پی.، و هنری، ب. ج.، ۱۳۷۲. اعتبار و پس انداز برای توسعه، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، ۱۰۲ ص.
 - رکن الدین افتخاری، ع.، سوری، ر.، بدری، ع.، و سجاسی قیداری، ح.، ۱۳۹۰. بنیاد نظریه ای بر برنامه ریزی کالبدی مناطق روستایی، انتشارات بنیادمسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران و روستایی، چاپ اول، تهران، ۳۵۱ ص.
 - سرایی، ح.، ۱۳۷۵. مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران، ۲۵۶ ص.
 - شفیعی ثابت، ن.، ۱۳۹۲. تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال در زمینه گسترش فرصت‌های شغلی در نقاط روستایی منطقه تهران و البرز، گروه

- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، تهران، ۴۵۶ ص.
- وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲. بسته نرم افزاری فرهنگ آبادی‌های ایران، مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، تهران.
- Bande, R., Fernández, M., and Montuenga, V., 2008. Regional unemployment in Spain-disparities, Business cycle and wage setting. *Journal Labour Economics*, v. 15, p.885-914.
- Douglass, M., 1998. A Regional network strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkage; an agenda for policy research with reference to Indonesia, Reprint from *Third World Planning Review*, University of Hawaii. U. S. A, v.20 (1), p. 1-33.
- Douglass, M., Michael, D., W, B., Valuncha, P., and Kana T., 2000. Poverty: from basic needs to entitlements in Vietnam during transition: ngo.cier.edu.TW/policy/3.8.pdf, p.127-177.
- Ghayur, S., 1989. Rural unemployment: for promoting employment in agricultural and non – agricultural sector, *Journal of Rural Development and Administration*, v.21 (3), p. 1-17.
- Grigoryeva. N., 2012. The Problem of Youth Unemployment in Rural Area: Agris on- line Papers in Economics and Informatics, v.4 (1), p.3-12.
- Hoyos, M., Green, A., 2011. Recruitment and retention issues in rural labour markets. *Journal of Rural Studies*, v. 27, p.171-180.
- Jean, B., and Bollman, R., D., 1996. Family, Farming labour and rural employment, who works, where? An international Comparison, *Canadian – Journal of Agricultural Economics*, v.44 (4), p.411-419.
- Jengjalern, P., 1989. Decentralizing rural development planning: a case study of rural employment generation program in northern Thailand, Dissertation, Syracuse University, New York, v.11, and p.56- 87.
- Lynch, K., 2005. Rural – Urban Interaction in the Developing World, Routledge, Taylor & Francis Customer Services, Oxon. UK. 209p.
- Rondinelli, D., 1985. Applied Method of Regional Analysis. The spatial Dimensions of Development Policy. West View press, Boulder, Colorado, 264 p.
- Shah, QA., 1993. Rural employment generation through modern technologies, *Journal of Rural Development and Administration*, v. 25(4), p. 32-41.
- Singh, S., 1993, some aspects of rural non – farm sector development in developing countries, *The Indian Journal of Labour Economics*, v. 36, (3), p.395-409.
- Tacoli. C., 1998. Rural – urban interactions: a guide to the literature, *Journal Environment and urbanization*. v.10 (1), p.147-166.
- Tacoli, C., 2003. Changing rural – urban in Mali, Nigeria and Tanzania, *Journal Environment and urbanization*. v.15 (1), p.13-24.

- Tacoli, C., 2004. Rural – Urban Linkage and Pro- poor Agriculture Growth: An overview, Prepared for OECD DAC POVNET Agriculture and Pro- Poor Growth Task Team Helsinki Workshop, 17-18 June 2004. IIED, Journal International institute for Environment and Development, London. p. 1-22.
- Tacoli, C., and Mabala, R., 2010. Exploring mobility and migration in the context of rural–urban linkages: why gender and generation matter, Journal Environment and Urbanization, v.22 (2), p 389-395.
- Taori, K., and Singh, S., 1995. Rural Industrialization: A Plan for the Future, Vikas publishing House, pvt. Ltd. (New Delhi), p.1-284.
- Thissen, F., 2010. Migration intentions of rural youth in the Westhoek, Flanders, Belgium and the Veenkoloniën, The Netherlands, Journal of Rural Studies, v 26, (2) p.428-436.